

نگاهی به ترجمه‌های آلمانی آثار محمود دولت‌آبادی

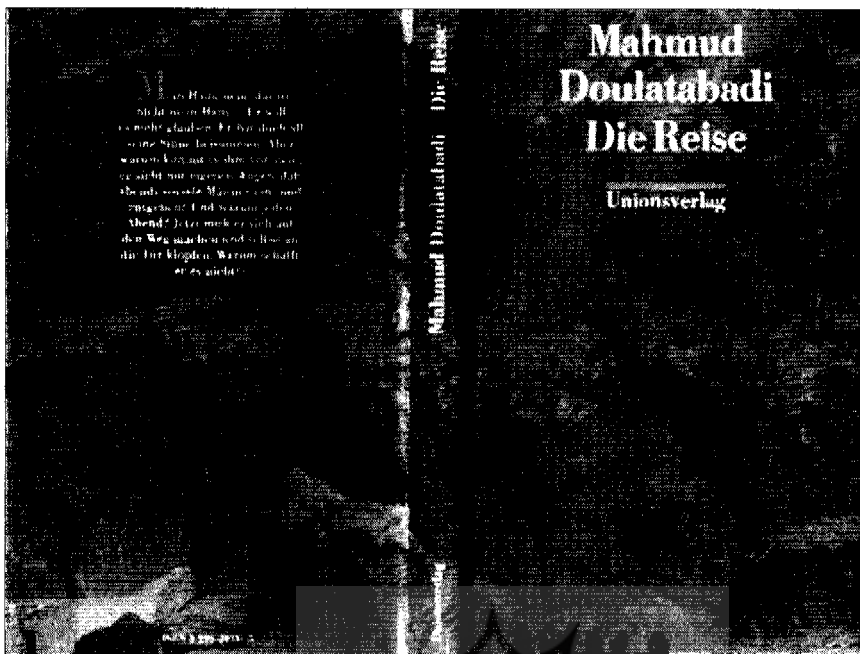
سعید فیروزآبادی

۳۳۷

بخارا
سال سیزدهم
شماره ۷۶
مرداد - شهریور
۱۳۸۹

حدود دو قرن پیش گوته در گفتگویی با اکرمان مفهوم «ادبیات جهانی» را مطرح کرد و گفت زبان آلمانی بازاری است که هر ملتی می‌تواند متاع خویش را در آن عرضه کند. بسیاری باور دارند که این گفته گوته اصل و اساس ادبیات تطبیقی در جهان است و نشانه‌اش همان دیوان غربی- شرقی است که گوته با الهام از حافظ به زبان آلمانی نگاشت. آن روزها و در آغاز قرن نوزدهم هامر- پورگشتال اتریشی دیوان حافظ را به آلمانی ترجمه کرد و گوته، شاعر و اندیشمند بزرگ عصر خویش، ناگزیر شد «در برابر سیل شعرهای حافظ قلم به دست بگیرد و بنویسد» و حاصل آن هم همین دیوان شد. با این اثر و نیز پیدایش اندیشه‌های عصر رمانتیک بسیاری از آثار ادبیات فارسی به آلمانی ترجمه شد و حتی قالب غزل نیز به این زبان راه یافت.

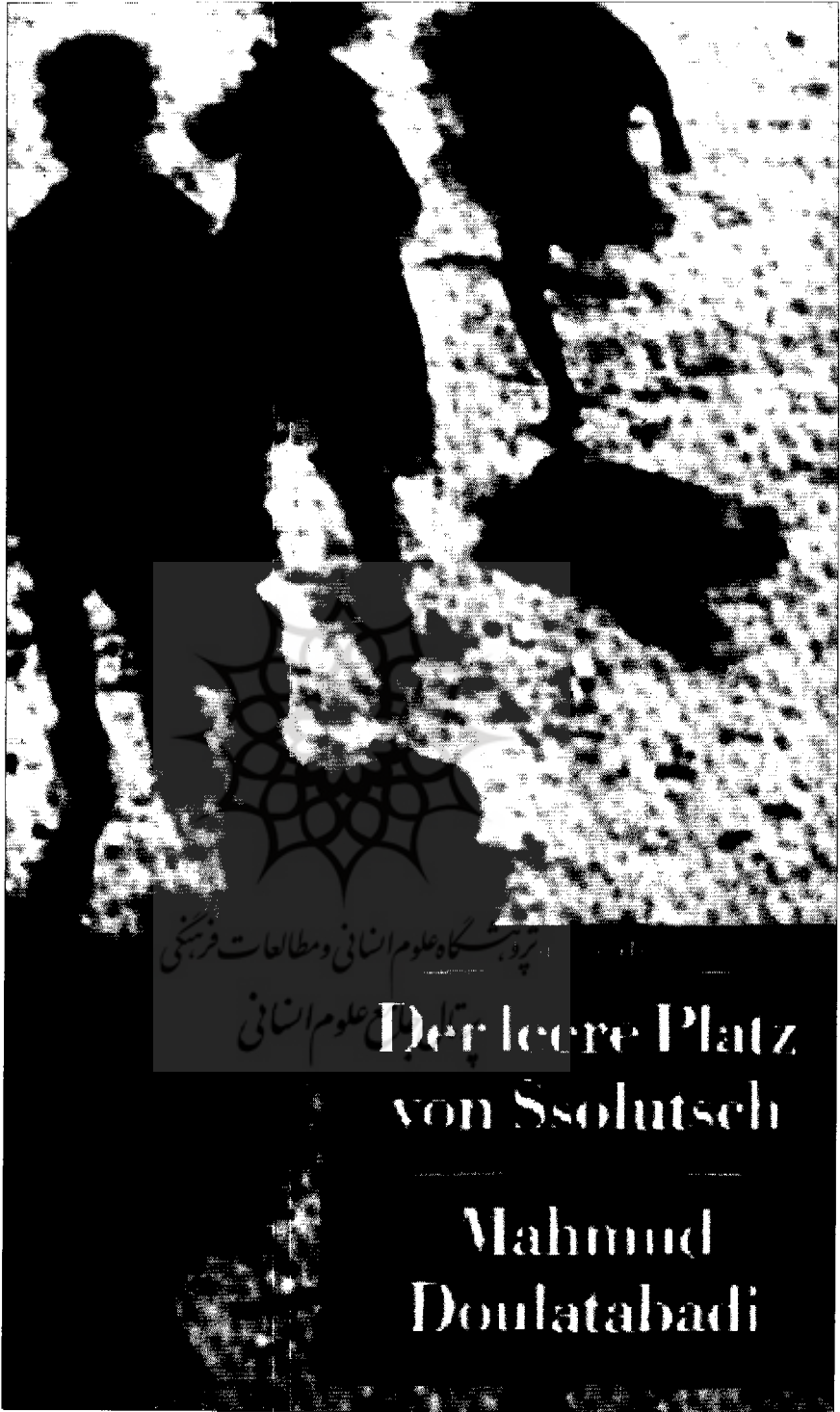
منظورم از این مقدمه آن نیست که تاریخ ترجمه ادبیات فارسی به زبان آلمانی را بازگو کنم، زیرا این کار به فرصت و مجالی بیشتر نیاز دارد. مقصد و مقصودم از این مقدمه کوتاه آن است که ادبیات فارسی در کشورهای آلمانی زبان و برای بیش از یکصد میلیون نفر مردم کشورهای آلمان، اتریش، سوئیس و لیختن‌اشتاین چندان بیگانه نیست، هر چند ادبیات معاصر ایران به نسبت سهم خود هنوز راهی بس طولانی را در پیش دارد. از یاد نبریم که وجود نویسندگان بزرگ ایرانی و فعالیت ادبی آنان در این کشورها همانند محمد علی جمالزاده و بزرگ علوی خود فرصت مغتنمی بوده است برای ترجمه آثار ادبیات معاصر فارسی. به‌خصوص آقا بزرگ علوی در این راه زحمت فراوانی کشیده و شاگردانی تربیت کرده است که این آثار را هنوز هم به زبان آلمانی ترجمه می‌کنند و از ایران‌شناسان بزرگ معاصر آلمان هستند.



• روی جلد کتاب ترجمه‌ی کتاب سفر (مترجم بهمن نیرومند)

از دیگر سو تردیدی نیست که در بین نویسندگان معاصر ایران محمود دولت‌آبادی مشهورترین و محبوب‌ترین نویسنده در خارج از ایران است و بسیاری از آثارش به زبانهای مختلف اروپایی و غیراروپایی همچون آلمانی، انگلیسی، سوئدی، نروژی و عربی ترجمه شده است. در بین این زبانها آلمانی جایگاه نخست را دارد و از حدود سی سال پیش خوانندگان آلمانی زبان آثار او را می‌شناسند.

ترجمه داستان «ادبار» به نظر می‌رسد نخستین اثر منتشر شده محمود دولت‌آبادی به زبان آلمانی است. مترجم این اثر عیسی شهابی، استاد سابق زبان آلمانی دانشگاه تهران، بود و در سال ۱۹۸۱ این داستان را ترجمه کرد. این ترجمه در قالب مجموعه‌ای از آثار دیگر نویسندگان معاصر ایران و با عنوان «در نفس اژدها» منتشر شد. گردآوری این مجموعه را تورج رهنما، استاد زبان آلمانی دانشگاه تهران، برعهده داشت. رهنما در سالهای بعد کوشش فراوانی برای معرفی ادبیات معاصر ایران در آلمان کرد و حاصل آن چندین کتاب مختلف در این زمینه است. «در نفس اژدها» که عنوان دیگر آن «داستانهای نوین فارسی» است، نوشته‌هایی از محمد علی جمالزاده، صادق هدایت، جلال آل‌احمد، صادق چوبک، سیمین دانشور، محمود دولت‌آبادی، امین فقیری و علی اشرف درویشیان را دربرمی‌گیرد و تنها یک بار در آلمان چاپ شده است. با این حال ترجمه شهابی از داستان «ادبار» تا کنون سه بار جداگانه به چاپ رسیده است. این ترجمه دومین بار در نشریه هورن (horen) و به سال ۱۹۸۱ منتشر شد و سپس در کتاب داستانهای فارسی معاصر با گردآوری تورج رهنما در سال ۲۰۰۲.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

Der leere Platz
von Ssolutsch

Mahmud
Doulatabadi

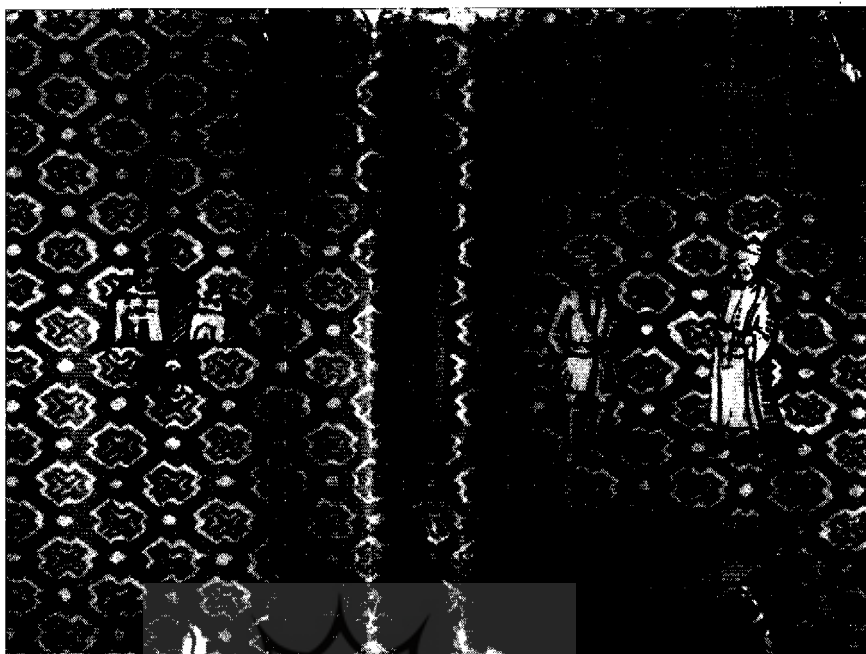
• روی جلد ترجمه‌ی کتاب جای خالی سلوچ (مترجم زیگرید لطفی)

Praktische Erzählungen
der Gegenwart



۳۴۰

• روی جلد کتاب داستان‌های معاصر فارسی (ترجمه و گردآوری تورج رهنما)

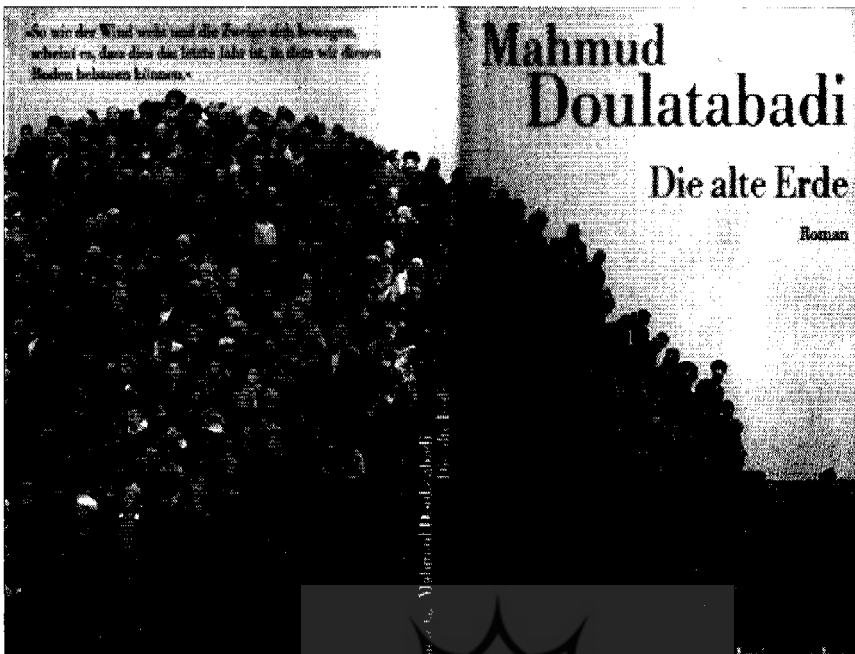


• روی جلد مجموعه داستان هر دو شوهر (گردآوری بزرگ علوی)

شماره ۱۲۳ نشریه هورن دو مطلب دربارهٔ محمود دولت‌آبادی دارد. نخست، ترجمهٔ «ادبار» و بعد هم مقاله‌ای از آن‌لایزه قهرمان، استاد سابق دانشگاه شهید بهشتی، با عنوان «محمود دولت‌آبادی مدافع حقوق مظلومان و ستم‌دیدگان». در این مقاله نویسنده سعی می‌کند ابتدا تصویری از ادبیات معاصر فارسی ارائه کند. قهرمان می‌نویسد: «در بیشتر داستان‌های دولت‌آبادی - و به خصوص در بهترین داستان‌هایش - او مدافع گروهی از مردم است که اغلب سواد خواندن و نوشتن ندارند و به همین دلیل توجهی به آثار ادبی معاصر نمی‌کنند، منظورم روستاییان است». با این مقدمه نگارندهٔ مقاله به سراغ داستان‌های دولت‌آبادی می‌رود و خوانندگان آلمانی زبان را با حال و هوای این آثار این می‌کند. حس تهدید و هراس از رخدادها، جدال با کژتابی‌های زمانه و حتی زلزلهٔ داستان «عقیل عقیل» از نخستین ویژگی‌هایی است که قهرمان در این مقاله به آن اشاره می‌کند. او می‌نویسد: «این کوشش پیوسته برای مبارزه با نظام خان‌سالاری و ظلم است».

پس از این توضیح نوبت به شخصیت‌های داستان‌های دولت‌آبادی می‌رسد که سرخورده از تقدیر می‌دانند که از ابتدا سرنوشت خوبی نخواهند داشت. در کل، شرح آن‌لایزه قهرمان از محمود دولت‌آبادی تأثیرپذیرفته از شرایط همان دوران نگارش مقاله است.

در سال ۱۹۸۴ و پس از انتشار نخستین اثر ترجمه شدهٔ محمود دولت‌آبادی به زبان آلمانی، شاگردان بزرگ علوی در مجموعه‌ای به نام «دو مرد» داستان «بیابانی» از مجموعه «لایه‌های بیابانی» را منتشر می‌کنند. مترجم این اثر مانفرد لورنتس است. ورنر زوندرومان، ابران‌شناس معاصر و پژوهشگر زبانهای سغدی، در مقدمه‌ای زیبا با عنوان «بزرگ علوی و ما» از محبت‌های آقا بزرگ به شاگردانش



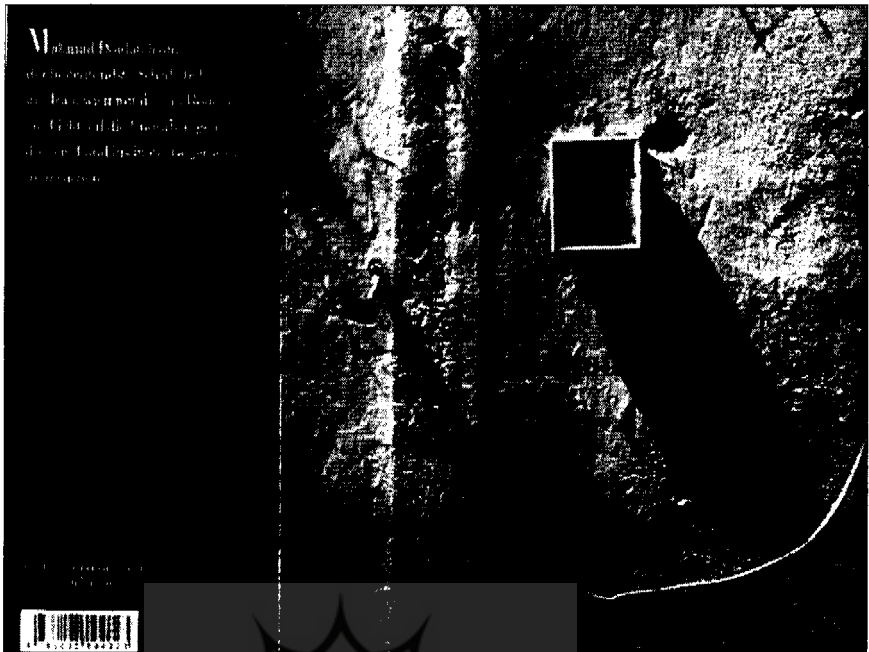
• ترجمه‌ی آلمانی اوسنه بابا سبحان (مترجم بهمن نیرومند)

۳۴۲

و خاطره‌های مختلف خود در سال‌های دانشجویی نزد بزرگ علوی یاد می‌کند و در نهایت کتاب «دو مرد» را به مناسبت هشتادمین سالگرد تولد علوی به او هدیه می‌دهد. در این کتاب داستان‌هایی از بزرگ علوی، محمد علی جمالزاده، رسول پرویزی، صادق چوبک، ابراهیم گلستان، جلال آل‌احمد، احمد محمود، جمال میرصادقی، اسلام کاظمیه، بهرام صادقی، فریدون تنکابنی، مهشید امیرشاهی، امین فقیری نیز وجود دارد. در هر حال ترجمه‌ی لورنتس از داستان «بیابانی» بسیار روان و درست است و نشان می‌دهد که بزرگ علوی بر این ترجمه‌ها نظارت می‌کرده است.

درست در همین زمان بار دیگر تورج رهنما با انتشار مجموعه‌ی داستانی «گیله‌مرد» به زبان آلمانی می‌کوشد گام دیگری در معرفی هر چه بیشتر نویسندگان معاصر ایران بردارد. در این مجموعه داستان «گواره‌بان» دولت‌آبادی نیز جلب توجه می‌کند. چند نویسنده‌ی جدید در فهرست نویسندگان این مجموعه نشان از گرایش به نوآوری دارد. فهرست اسامی نویسندگان به این ترتیب است: بزرگ علوی، صادق چوبک، جلال آل‌احمد، هوشنگ گلشیری، جمال میرصادقی، نادر ابراهیمی، محمود کیانوش، فریدون تنکابنی، اصغر الهی، احمد محمود و غلامحسین ساعدی.

تا این زمان حضور محمود دولت‌آبادی در کشورهای آلمانی‌زبان بیشتر محدود به ترجمه‌ی داستان‌هایش در مجموعه‌ها است. در سال ۱۹۹۱ ناشر معروف سوئسی «اونیونز فرلاگ» نخستین رمان محمود دولت‌آبادی را به زبان آلمانی منتشر می‌کند. «جای خالی سلوچ» با ترجمه‌ی زیگرید لطفی خیلی زود توجه خوانندگان آلمانی‌زبان را به خود جلب می‌کند و انتشار این ترجمه مایه شگفتی



• ترجمه‌ی آلمانی کلنل (مترجم بهمن نیرومند)

بسیاری می‌شود. رادیو کلن آلمان درباره‌ی این رمان می‌گوید: «این رمان دلیلی بر آن است که رمانهای خوب را صرفاً در اروپا و یا آمریکا نمی‌نویسند». روزنامه‌ی آگماینه تسایونگ نیز در نقد و معرفی این اثر می‌نویسد: «اثری از ایران به بازار کتاب آلمانی ارائه شده که بی‌تردید از مهمترین آثار منتشر شده در یک سال گذشته به زبان آلمانی است». دلیل این محبوبیت افزون بر ترجمه‌ی خوب زیگرید لطفی، موضوع جذاب و غریب این رمان از دیدگاه خوانندگان آلمانی است.

در سال ۱۹۹۲ و یک سال پس از موفقیت ترجمه‌ی آلمانی «جای خالی سلوچ» نوبت به رمان «سفر» می‌رسد. سفر را بهمن نیرومند به آلمانی برگردانده است. تفاوت سفر با جای خالی سلوچ موضوع داستان و نیز نوع ترجمه‌ی نیرومند در مقایسه با زیگرید لطفی است. ترجمه‌ی نیرومند بسیار نزدیک به متن است و به همین دلیل بسیاری از مفاهیم برای خواننده‌ی ناآشنا با فرهنگ ایران پرسش‌برانگیز است و مترجم پاسخی هم به این پرسش‌ها نمی‌دهد. در حالی که ترجمه‌ی لطفی بسیار روان و کمی با فاصله از متن است و حتی در انتهای متن نیز برخی از واژه‌های دشوار فارسی را که بیشتر بار فرهنگی دارند، شرح می‌دهد و با این کار درک مطلب را برای مخاطب آلمانی‌زبان راحت می‌کند.

چند داستان و دو رمان ترجمه شده‌ی دولت‌آبادی در آلمان باعث می‌شود که رساله‌ی دکترایی نیز با عنوان «بررسی ادبی - جامعه‌شناختی و نقد ایدئولوژیک برخی آثار نویسنده‌ی ایرانی محمود دولت‌آبادی» در دانشگاه فرانکفورت نوشته شود. نویسنده مسعود امیرخلیلی است و این رساله در سال ۱۹۹۸ نیز در آلمان به چاپ رسیده است.



• دکتر سعید فیروزآبادی

محمود دولت‌آبادی را در ایران بسیاری از مخاطبانش بی‌تردید با بزرگترین اثرش کلیدر می‌شناسند و این اثر بزرگ همدم و مونس بسیاری از مردم این مرز و بوم بوده است. ترجمه کلیدر نیز در سال ۱۹۹۷ به همت زیگرید لطفی انجام پذیرفت. با انتشار این ترجمه که چهار جلد از مجموعه ده جلدی کلیدر را شامل می‌شود، روزنامه‌ها و مطبوعات آلمانی مطالب بسیاری را درباره محمود دولت‌آبادی به چاپ رساندند.

شیوه روایت دولت‌آبادی نخستین نکته‌ای است که خوانندگان آلمانی زبان را مسحور خود می‌کند. پتر شوت در روزنامه دی ولت در این مورد می‌نویسد: «دولت‌آبادی نه تنها آثار نویسندگان بزرگ شرق را خوانده است، بلکه کافکا، جوئیس و فاکتر را خوب می‌شناسد. او راوی چیره‌دست زندگی مدرن و جهانی شده است. کلیدر کتابی عالی و بی‌نظیر است، از آن کتاب‌هایی که تنها هر چند سال یک بار نظیرش را در ادبیات کشوری می‌توان یافت». این شور و استقبال بی‌دلیل نبوده است. دولت‌آبادی با این اثر تصویری متفاوت از دنیای ساخته خیال اروپاییان و به‌خصوص آلمانی‌ها ارائه می‌دهد و این تصویر در خاطر آنان می‌ماند.

زیگرید لطفی در این سال‌ها آهسته و پیوسته آثار محمود دولت‌آبادی را به فارسی ترجمه کرده و در این راه ترجمه‌هایش روز به روز بهتر شده است. همین مترجم آلمانی که سال‌ها در ایران زندگی کرده است، در مجموعه‌ای به نام «برگ سبز» که در گرامیداشت آنه‌لیزه قهرمان است، در سال ۱۹۹۹ داستانی از دولت‌آبادی را با عنوان «آینه» منتشر می‌کند.

«اوسنه بابا سبحان» چهارمین رمان محمود دولت‌آبادی است و بهمن نیرومند آن را به فارسی

ترجمه کرده است. این کتاب در سال ۲۰۰۰ منتشر و در سال ۲۰۰۵ نیز تجدید چاپ شد. همین موضوع نشان از محبوبیت این اثر کوتاه دارد.

واپسین و جدیدترین اثر محمود دولت‌آبادی به زبان آلمانی رمان «کلنل» است. کلنل تا کنون موفق‌ترین اثر دولت‌آبادی در کشورهای آلمانی‌زبان بوده و پس از چاپ نخست در سال ۲۰۰۹ به تازگی و در سال ۲۰۱۰ به چاپ دوم رسیده است.

پس از انتشار کلنل در آلمان بی‌درنگ در نشریه‌ها و مطبوعات این کشور مقاله‌های بسیاری انتشار یافت. یکی از این نقدها را ابره‌ارت فالکه در نشریه دی ولت با عنوان «یک روایا، یک کابوس» نوشته است. فالکه در این مقاله از نثر و شیوه روایت و رخداد‌های تاریخی رمان سخن به میان می‌آورد. این اثر را نیز بهمن نیرومند به زبان آلمانی برگردانده و در پایان آن گفتار و فهرستی از واژه‌های مهم و ضروری را برای توضیح بیشتر مطالب آورده است. این توضیح به خوانندگان آلمانی‌زبان که هیچ آگاهی از پس‌زمینه‌های تاریخی یکصد سال اخیر ندارند، در درک بهتر این رمان یاری می‌رساند.

اکنون با نگاهی به ترجمه‌های چندین رمان و داستان کوتاه و بلند محمود دولت‌آبادی می‌توان دریافت که او دیگر بخشی مهم از ادبیات جهانی است و این ادبیات نیز بی‌هیچ تردیدی به درک و فهم بهتر ملت‌ها از یکدیگر کمک خواهد کرد.

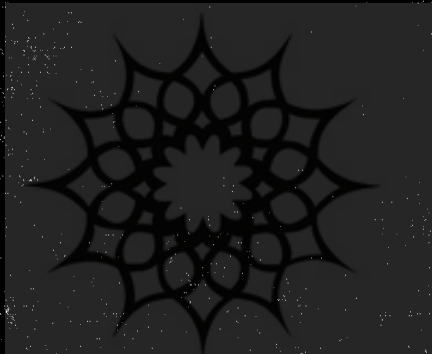
کتابشناسی محمود دولت‌آبادی در زبان آلمانی:

- “Elend”, übersetzt von Issa Chehabi, in: *Im Atem des Drachen. Moderne persische Erzählungen*. Frankfurt: 1981; horen 123, 1981, 53-64; *Persische Erzählungen der Gegenwart*. Herausgegeben von Touradj Rahnama, Teheran: Atena Verlag, 2002, 167-185.
- Anneliese Ghahraman. “Über Mahmud Doulatabadi”, horen 123, 1981, 50-53.
- “Kläger”, übersetzt von Manfred Lorenz, in: *Die beiden Ehemänner. Prosa aus dem Iran*. Herausgegeben von Bozorg Alavi. Berlin: Rütten und Loening, 1984.
- “Der Kuhhirt”, in: *Einer aus Gilan*. Herausgegeben von Touradj Rahnama. Edition Orient, 1984.
- Der leere Platz von Ssolutsch*. Übersetzt von Sigrid Lotfi. Zürich: Unionsverlag, 1991.
- Die Reise*. Übersetzt von Bahman Nirumand. Zürich: Unionsverlag, 1992.
- Eine literatursoziologische und ideologiekritische Untersuchung ausgewählter Werke des iranischen Schriftstellers Mahmud Doulatabadi*. Masud Amir Khalili, Diss. Frankfurt: 1998.
- Kalidar*. Übersetzt von Sigrid Lotfi. Zürich: Unionsverlag, 1997.
- “Der Spiegel”, übersetzt von Sigrid Lotfi, in: *Barg e Sabz*. Herausgegeben von Touradj Rahnama. Tehran: Atena Verlag, 1999, 273-280.
- Die alte Erde*. Übersetzt von Bahman Nirumand. Zürich: Unionsverlag, 2000; 2005.
- Der Colonel*. Übersetzt von Bahman Nirumand. Zürich: Unionsverlag, 2009; 2010.

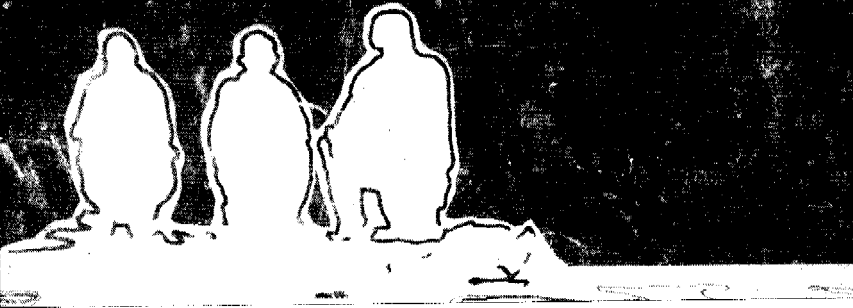


باشیرو

محموده دولت آبادی



پرویشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال علمی علوم انسانی



۳۴۶

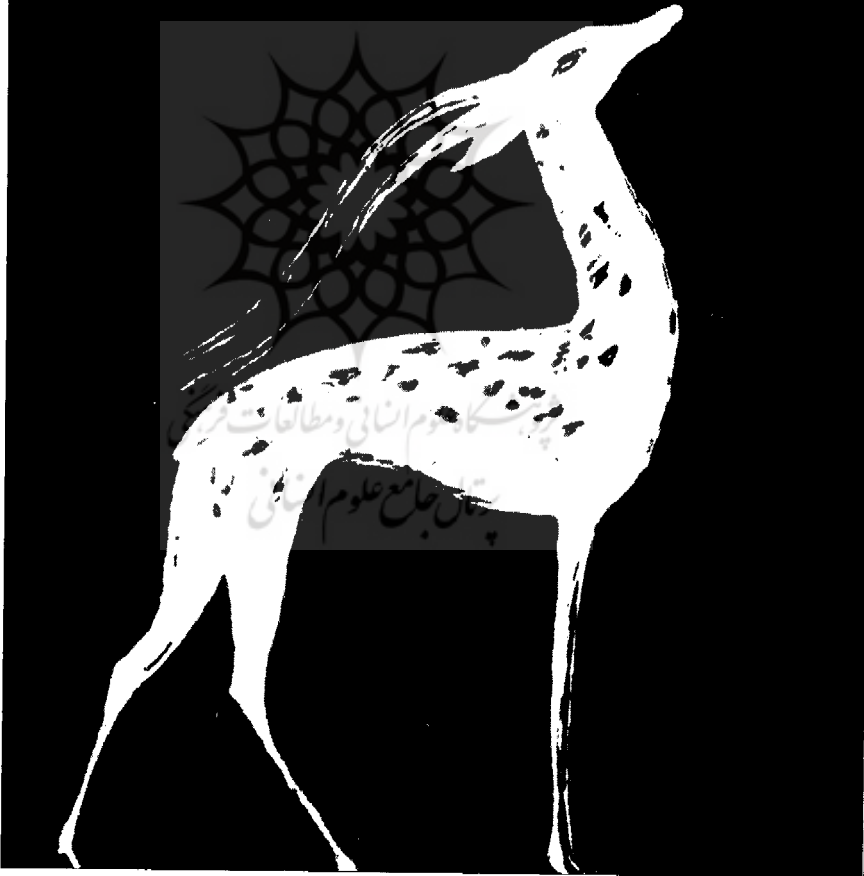
بخارا
سال سیزدهم
شماره ۷۶
مرداد - شهریور
۱۳۸۹

• روی جلد چاپ سیزدهم باشیرو

لهو بر بخت من گزل

مجموعت آهوی

۳۴۷



• روی جلد چاپ اول «آهوی بخت من گزل» (۱۳۶۷)

MIN LYCKAS GASELL; GOZAL



Mahmoud Dowlatabadi

Stockholm 1992

۳۴۸

• روی جلد ترجمه سوئدی «آهوی بخت من گزل» چاپ استکهلم ۱۹۹۲

آهوی بخت من گزل

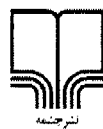
مجموعت آهوی



۳۴۹

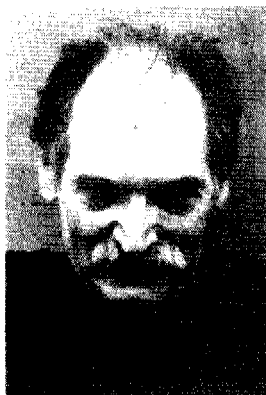
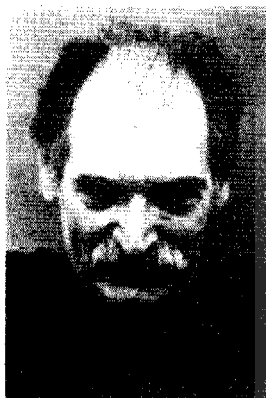
• روی جلد چاپ چهارم «آهوی بخت من گزل»

گفت و گو با محمود دولت آبادی



مانیز مردمی هستیم

امیر حسن چهل تن - فریدون فریاد



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

چاپ سوم



۳۵۰

• روی جلد چاپ سوم «مانیز مردمی هستیم» چاپ اول این کتاب در سال ۱۳۶۸ توسط نشر پارسی منتشر شد.

محمود دولت آبادی

MAHMOUD DOWLATABADI

Å GÅ
FORBI
SEG
SELV

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

ÅRETS HOVLDFOREDRAG,

NORSK LITTERATURFESTIVAL 2010

MAHMUD DOULATABADI

*Den tomme plassen
etter Soluch*



ژوبشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

SOLUM FORLAG

۳۵۲

• روی جلد ترجمه هلندی «جای خالی سلوچ»

Unionsverlag

Mahmud
Doulatabadi
Die alte Erde

۳۵۲

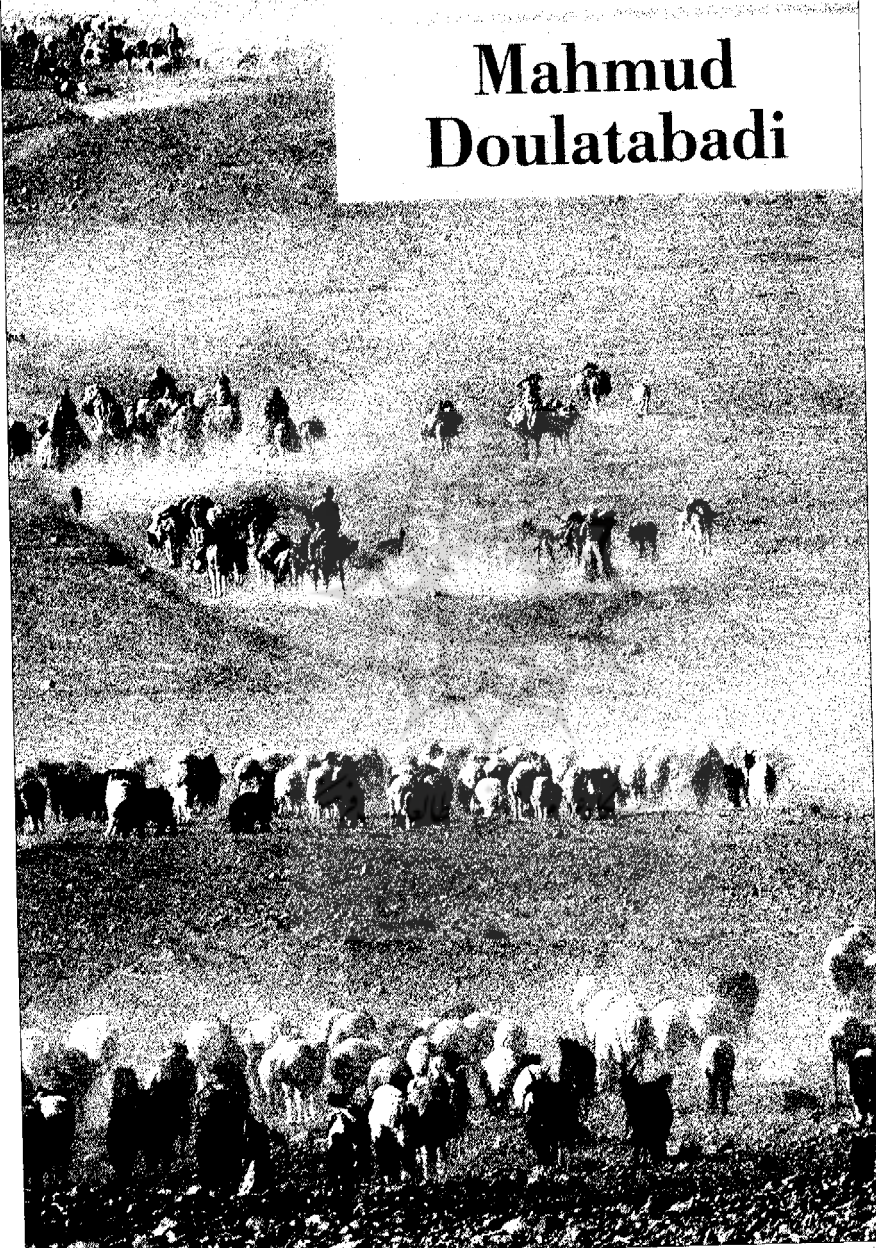
پښتانه او انساني مطالعات نړیوال
ژورنال پلن نوم انساني

• ترجمه آلمانی اوسنه بابا سبجان ترجمه بهمن نیرومند

Unionsverlag

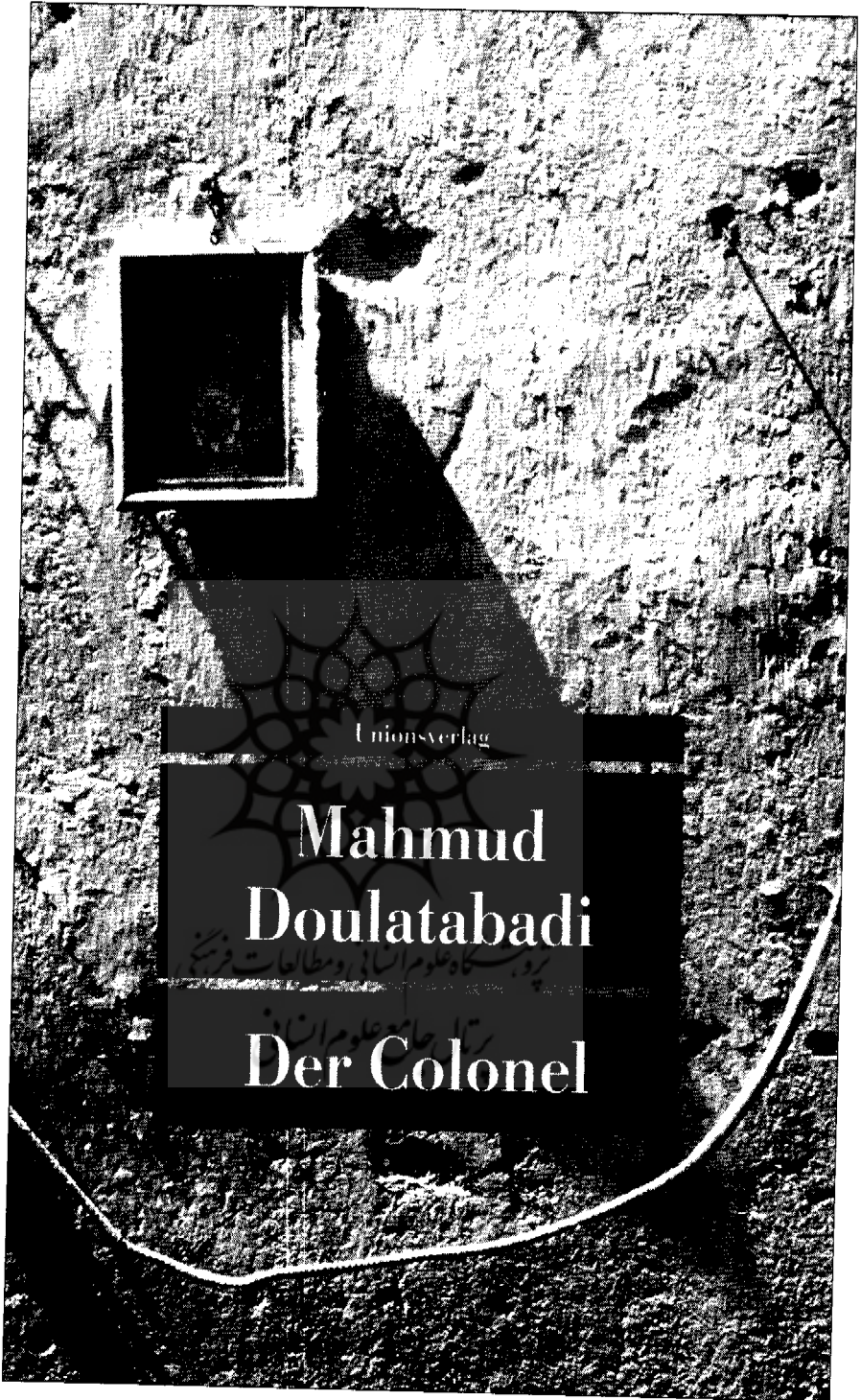
Kelidar

Mahmud
Doulatabadi



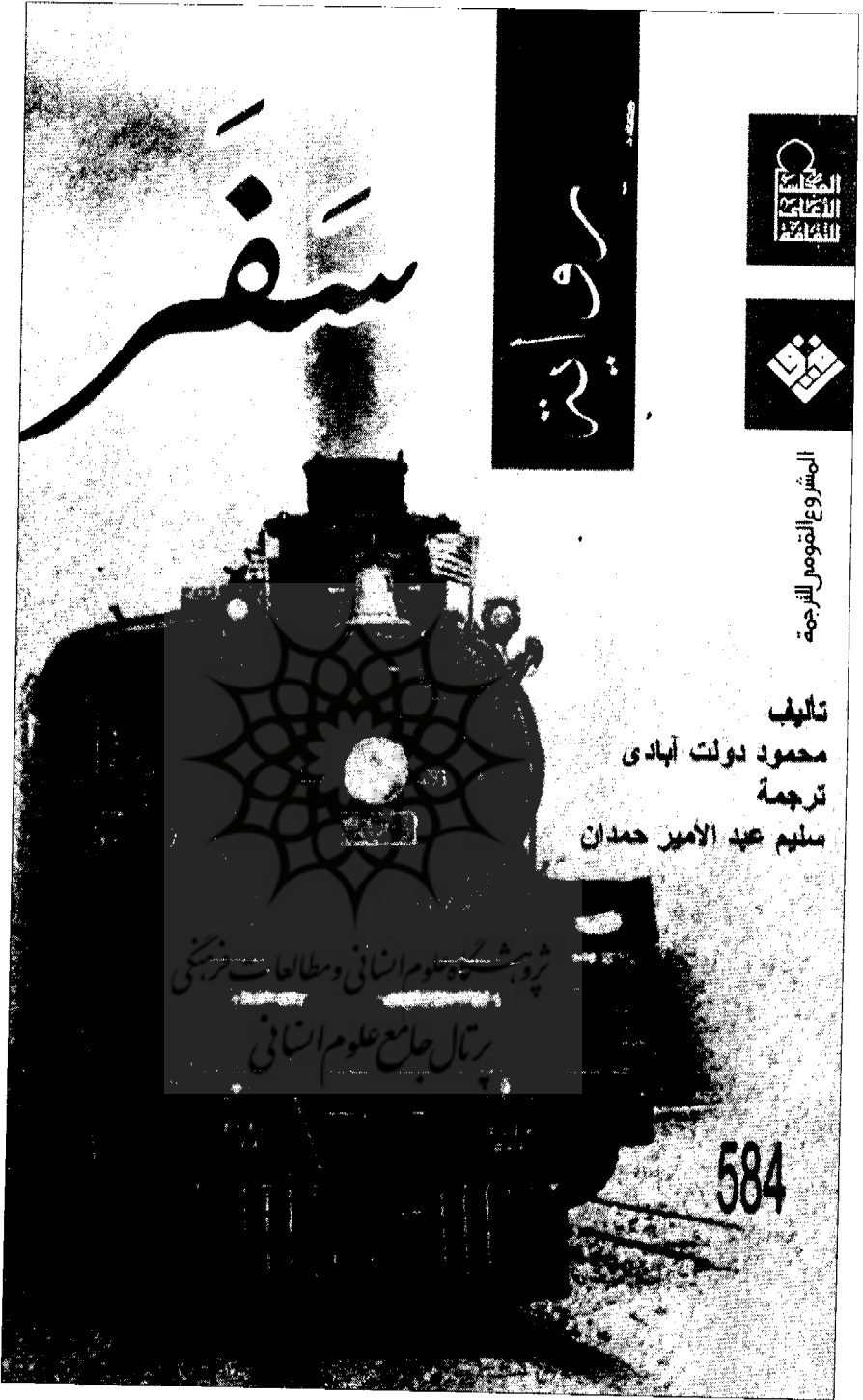
۳۵۴

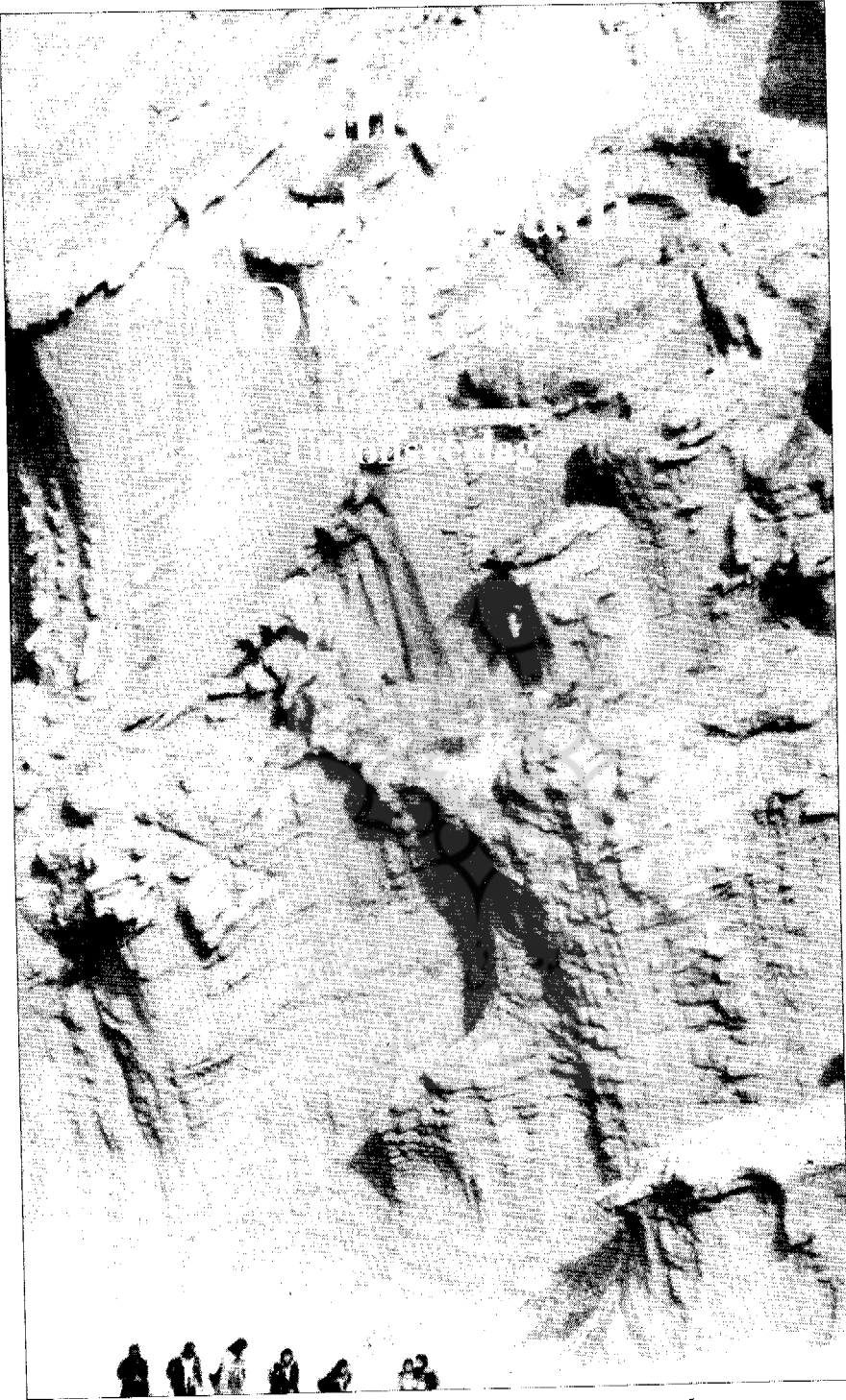
• روی جلد ترجمه آلمانی رمان کلیدر که توسط زیگفرید لطفی به آلمانی ترجمه شد.



• روی جلد ترجمه آلمانی رمان «کلنل» که توسط بهمن نیرومند به آلمانی برگردانده شد.



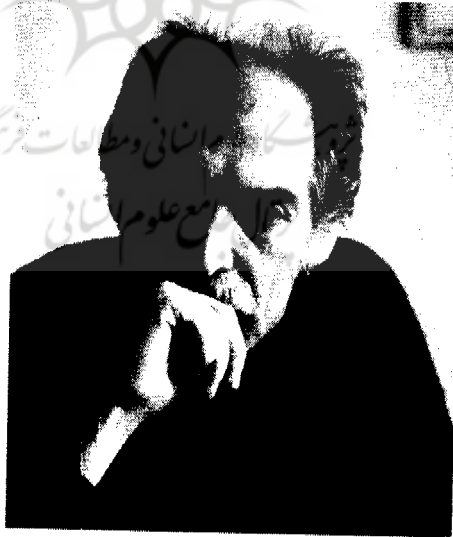


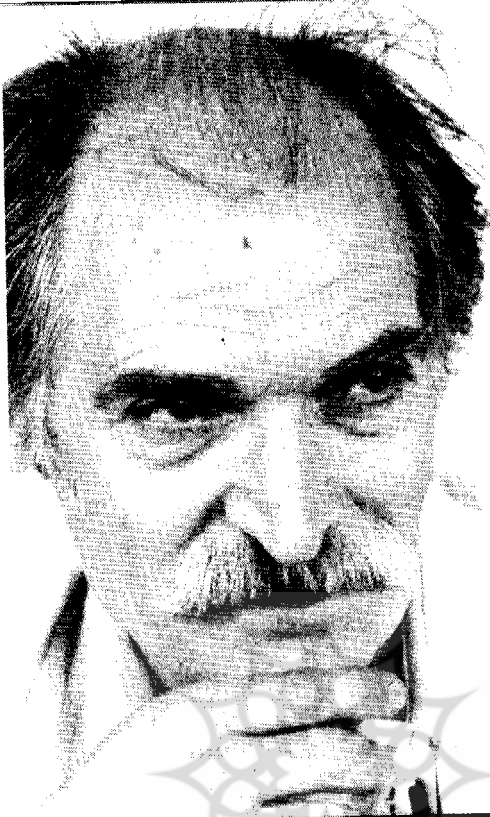


Mahmud Doulatabadi wurde 1940 in einem Dorf der nordost-iranischen Wüstenregion geboren. Nach dem Besuch der Schule war er in der Landwirtschaft und in verschiedenen Handwerksberufen tätig. Später absolvierte er die Teheraner Theaterakademie und war eine Zeitlang Schauspieler. Aus politischen Gründen befand er sich zwei Jahre in Haft. Heute lebt er in Teheran. Er hat zahlreiche Romane, Erzählungen, Theaterstücke und Essays veröffentlicht und gilt als bedeutendster Vertreter der zeitgenössischen persischen Prosa.

Im Unionsverlag ist von ihm der Roman »Der leere Platz von Ssolutsch« lieferbar.

۳۵۹





۳۹.

Mahmud Doulatabadi

räknas som Irans största episka berättare. Han föddes 1942 i byn Dowlatabad och det är i hemtrakten i nordöstra Iran som hans böcker utspelar sig. Innan han blev skådespelare och författare försörjde han sig i en mängd olika yrken. 1975 sattes han i fängelse i två år av politiska skäl. Hans mest framgångsrika roman i hemlandet, *Kelidar*, är på 3.000 sidor och har sålts i 40.000 exemplar. Ute den läser man högt på kaféerna ute på den iranska landsbygden. Doulatabadi är numera bosatt i Teheran.

قطره محال اندیش

گفت و گزار مبینج
مجموعه مقالات و مطالعات
محمود دولت‌آباد

۳۶۱

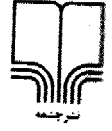
مجموعه مقالات و مطالعات فرنگی
مجموع علوم انسانی

• روی جلد چاپ دوم «قطره محال اندیش» چاپ نشر چشمه، ۱۳۸۳.



چاپ نهم

• روی جلد چاپ نهم رمان «سلوک»، نشر چشمه، ۱۳۸۸.

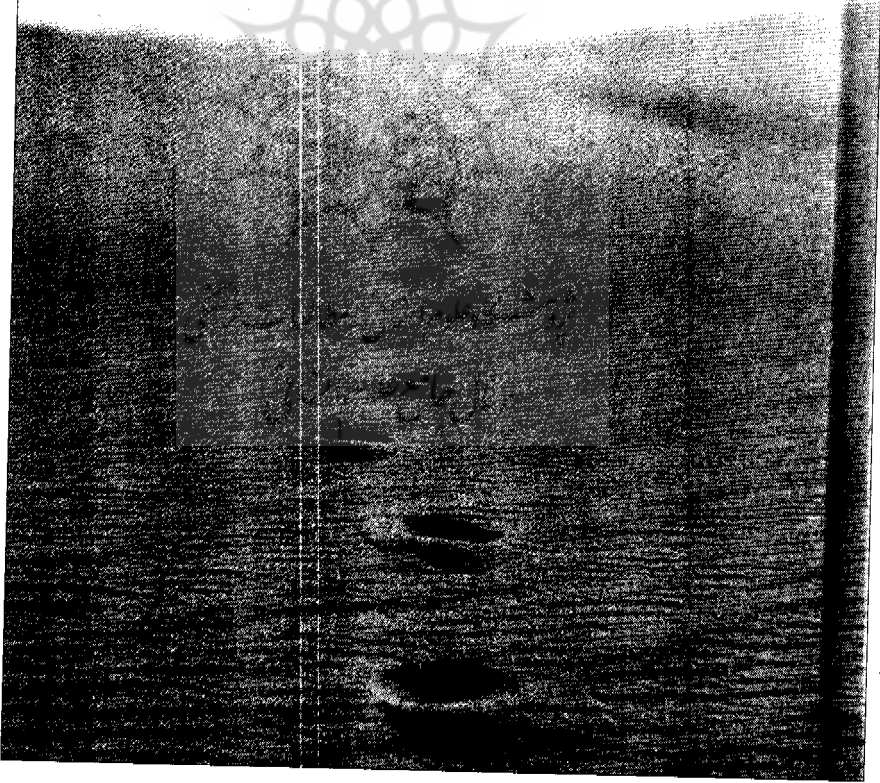


محمود دولت‌آبادی

جای خالی سلوچ

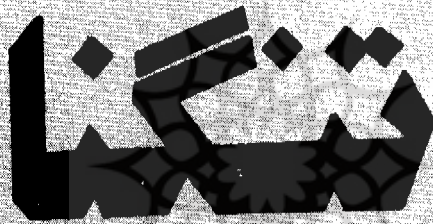
چاپ چهاردهم

۳۶۳



• روی جلد چاپ چهاردهم «جای خالی سلوچ» نشر چشمه، ۱۳۸۸.

محمود دولت آبادی



(نمایشنامه)

۳۶۴

• روی جلد نمایشنامه «تنگنا» چاپ رُم، انتشارات رز - ۱۳۵۲.

اوسنہی

باباسبحان

۳۶۵



محمود دولت آبادی

• روی جلد «اوسنہی باباسبحان» چاپ دوم، دی ۱۳۵۱ - انتشارات شبگیر.

نون نوشتن

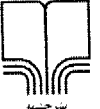
محمود دولت آبادی

تقریباً هفتاد و سه روز بعد از آنکه در روز بیست و سه ماه دوازدهم سال ۱۳۸۸ در تهران درگذشت. او در روزهای آخر عمرش به بیماری سرطان مبتلا شده بود. او در روزهای آخر عمرش به بیماری سرطان مبتلا شده بود. او در روزهای آخر عمرش به بیماری سرطان مبتلا شده بود.

محمود دولت آبادی در روزهای آخر عمرش به بیماری سرطان مبتلا شده بود. او در روزهای آخر عمرش به بیماری سرطان مبتلا شده بود. او در روزهای آخر عمرش به بیماری سرطان مبتلا شده بود.



محمود دولت آبادی در روزهای آخر عمرش به بیماری سرطان مبتلا شده بود. او در روزهای آخر عمرش به بیماری سرطان مبتلا شده بود. او در روزهای آخر عمرش به بیماری سرطان مبتلا شده بود.



محمود دولت آبادی در روزهای آخر عمرش به بیماری سرطان مبتلا شده بود. او در روزهای آخر عمرش به بیماری سرطان مبتلا شده بود. او در روزهای آخر عمرش به بیماری سرطان مبتلا شده بود.

• روی جلد «نون نوشتن»، آخرین کتابی که از محمود دولت آبادی تا زمان انتشار این شماره بخارا به فارسی منتشر شده است. زمستان ۱۳۸۸، نشر چشمه.



ZONDER SOLOETSJ

ژوندگاره علوم انساني و مطالعات فرهنگي

پرتال
MAHMUD
DOULATABADI

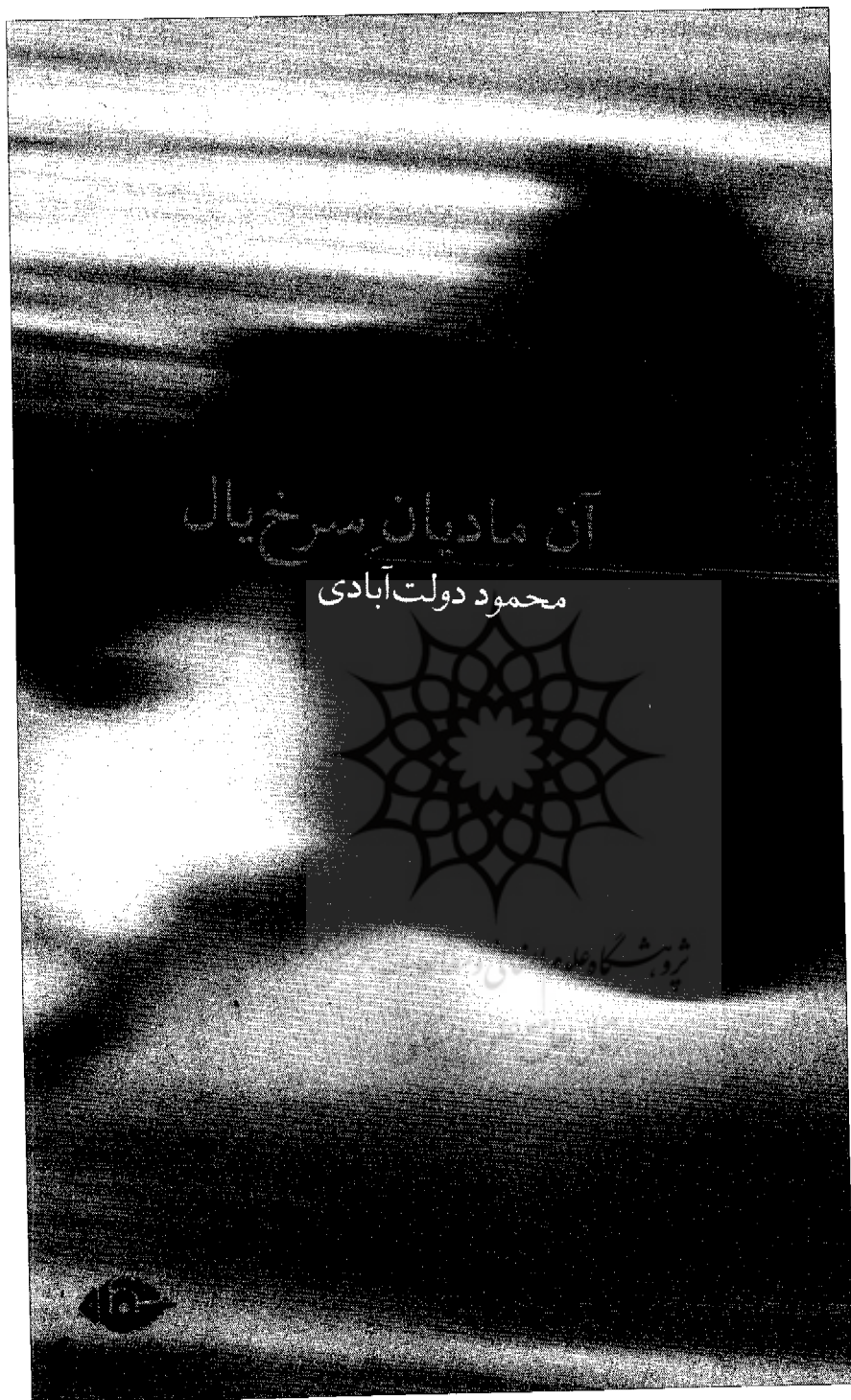
'Iedereen heeft
Doulatabadi
gelezen in het
vaderland!'

KADER
ABDOLAH

DE GEUS

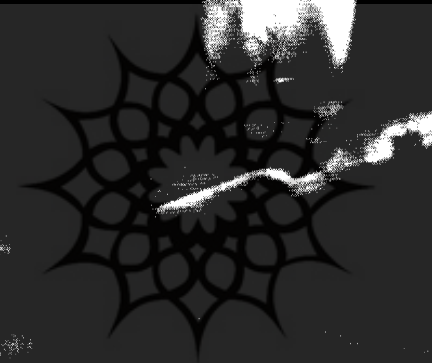
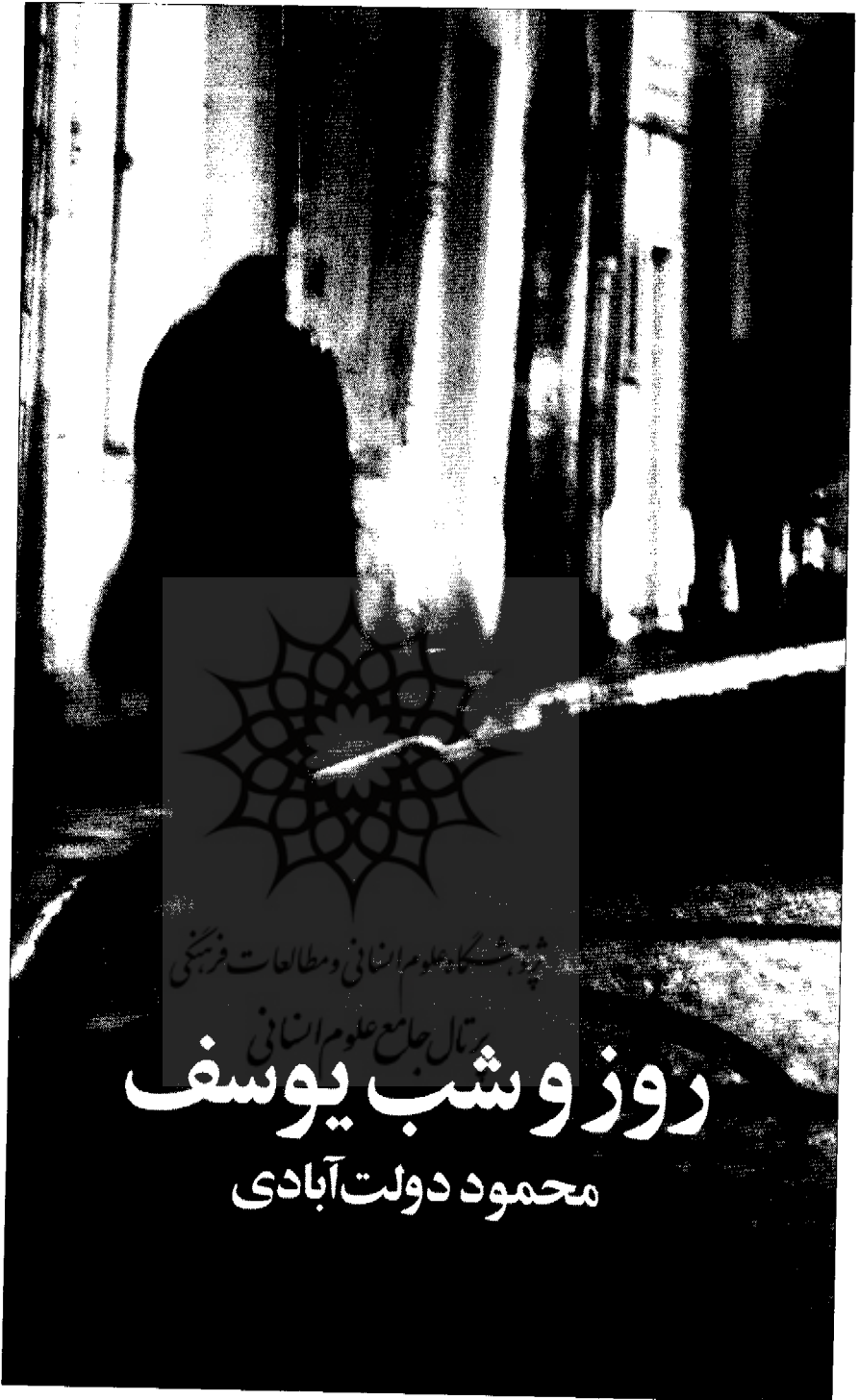






۳۷۰

• روی جلد چاپ دوم داستان بلند «آن مادیان سرخ یال»، انتشارات نگاه، ۱۳۸۵.



مؤسسه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
مركز جامع علوم انسانی

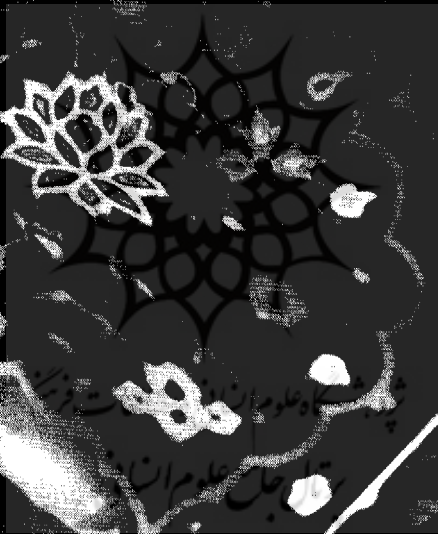
روز و شب یوسف

محمود دولت آبادی

گلدسته و سایه‌ها

محمود دولت‌آبادی

۳۷۲



• روی جلد چاپ اول «گلدسته‌ها و سایه‌ها» انتشارات نگاه، ۱۳۸۴.